

## پیوستگی امنیتی و بحران‌گریزی در روابط ایران و ترکیه

لیلا براتی<sup>۱</sup>  
وحید سینایی<sup>۲</sup>  
سیداحمد فاطمی‌نژاد<sup>۳</sup>

### چکیده

روابط ایران و ترکیه در دهه‌های اخیر در مجموع روبه‌گسترش، اما در مقاطعی تحت تأثیر اختلافات دو کشور سرد و غیردوستانه بوده است. این نوسان‌ها باعث شکل‌گیری تبیین‌های متفاوتی از روابط این دو کشور در بین پژوهشگران سیاست خارجی و روابط بین‌الملل شده است. هدف این مقاله بررسی و تبیین پایایی روابط دو کشور علی‌رغم بروز اختلاف میان آنها است. به عبارت دیگر پرسش اصلی این است که چرا ایران و ترکیه در دهه‌های اخیر علی‌رغم اختلافات بنیادی دچار تنش طولانی مدت با یکدیگر نشده و همواره به تنش‌زدایی و همکاری روی آورده‌اند؟ در پاسخ، این فرضیه طرح شده است: پیوستگی فرایندهای امنیت‌زا و امنیت‌زدایی که بر ایران و ترکیه تأثیر می‌گذارند باعث شده که دو کشور از بحرانی شدن اختلافات میان خود جلوگیری نمایند و به همکاری روی آورند. برای بررسی این فرضیه از نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای استفاده شد و شش عنصر مجاورت جغرافیایی، الگوی دوستی و دشمنی، وجود دو بازیگر مؤثر، استقلال نسبی، وابستگی متقابل امنیتی، روابط فرهنگی-تمدنی و روابط اقتصادی در مناسبات ایران و ترکیه مورد سنجش قرار گرفت. روش مورد استفاده در مقاله، روش تبیینی است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که علت جلوگیری از تنش‌های شدید و گسترش روابط دو کشور، به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی قرارداشتن آنها در یک مجموعه امنیتی بوده است.

**واژگان کلیدی:** ایران، ترکیه، مجموعه امنیتی منطقه‌ای، مجاورت جغرافیایی، وابستگی متقابل امنیتی.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول، sinaee@um.ac.ir

۳. استادیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد.

## Security Linkage and Crisis-Declining in Iran-Turkey Relations

**Leila Barati**

M.A. of International Relations, Ferdowsi University of Mashhad

**Vahid Sinaee<sup>1</sup>**

Associate Professor of Political Science, Ferdowsi University of Mashhad

**Seyed Ahmad Fatemi-Nejad**

Assistant Professor of International Relations, Ferdowsi University of Mashhad

### Abstract

In recent years, Iran-Turkey relations have experienced different situations from friendship to rivalry and even enmity. The ambivalence has raised various explanations among observers in international relations and foreign policy. This article aims to assess durability of Iran-Turkey relations regardless of their disputes. In other word, the main question here is why Iran and Turkey have not been subject to a long-term tension despite their critical rivalries in recent years. We hypothesize that linkage between securitizing and destabilizing processes affecting both has obliged the two countries to prevent falling into crisis and welcome cooperation. It seems that regional security complex theory could be helpful here. In this regard, six factors including geographical neighborhood, model of friendship and hostility, existence of two influential actors, relative independence, security interdependence, cultural-civilizational relationships, and economic relations are examined in Iran-Turkey relations. Findings show that their avoidance of deepening mutual tensions is due to the same location of the two countries in the security complex.

**Keywords:** Iran, Turkey, Regional security complex, Geographical proximity, Security interdependence.

### مقدمه

روابط ایران و ترکیه پیشینه طولانی دارد. در دوران صفوی و عثمانی روابط دو کشور آمیزه‌ای از دشمنی، جنگ و در بهترین حالت سردی و نگرانی از نیات خصمانه طرف مقابل بود. در دوره قاجار دو کشور به‌جز پاره‌ای از درگیری‌های پراکنده به ورطه جنگ گسترده‌ای نیفتادند. با برقراری جمهوری و زمامداری آتاتورک در ترکیه و

<sup>1</sup> - Corresponding Author: sinaee@um.ac.ir

پادشاهی رضاشاه و سپس محمدرضاشاه در ایران روابط دو کشور گرم و دوستانه شد. اما با وقوع انقلاب اسلامی در ایران (۱۳۵۷) و کودتای نظامیان سکولار در ترکیه (۱۳۵۹) روابط دو کشور تحت تأثیر استقرار حکومت انقلابی و ایدئولوژیک در ایران و حکومت غیرمذهبی و غرب‌گرا در ترکیه قرار گرفت. به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی، دو کشور برای حضور و نفوذ در جمهوری‌های نوپای آسیای مرکزی و قفقاز به رقابت با یکدیگر پرداختند. با روی کار آمدن تورگوت اوزال و پیگیری سیاست خارجی چندجانبه و سپس به قدرت رسیدن حزب اسلام‌گرای رفاه در سال ۱۹۹۶ میلادی، دو کشور به روابط بهتری روی آوردند. با وجود این، زمینه‌های اختلاف برانگیزی مانند عضویت ترکیه در ناتو، روابط ترکیه با اسرائیل و موافقت‌نامه امنیتی این دو کشور، رقابت در آسیای مرکزی، اختلافات آذربایجان و ارمنستان بر سر قره‌باغ، استقرار سپر موشکی ناتو در ترکیه، منازعات داخلی در عراق، و سرانجام جنبش‌ها و بحران‌های عربی در کشورهایی مانند سوریه و یمن در پیشینه روابط دو کشور در دهه‌های اخیر وجود داشته که بر روابط آنها اثرات منفی برجای گذاشته است.

وقوع جنبش‌ها و منازعات داخلی گسترده در کشورهای عربی در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ به موضوع جدیدی در اختلافات دو کشور تبدیل و در مواردی موجب ردوبدل کردن سخنان خصمانه و شدیدی علیه یکدیگر شد. اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه هنگام اوج‌گیری بحران یمن و گریختن عبدربه منصور هادی از صنعا رسماً ایران را به تلاش برای سلطه بر منطقه خاورمیانه متهم کرد و با حمایت از اقدامات عربستان در یمن گفت: تلاش‌های تهران برای سیطره بر منطقه آنکارا، عربستان و کشورهای عرب خلیج فارس را به «ستوه» آورده است و ترکیه نمی‌تواند این وضعیت را «تحمل» کند (farsnews, 2016/3/6). با وجود ایراد این سخنان و علی‌رغم تهیه‌نامه‌ای از سوی پنجاه تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره لغو سفر اردوغان به ایران، او کمتر از دو هفته بعد در ۱۸ فروردین ۱۳۹۴ در پاسخ به سفر رئیس‌جمهور ایران، در رأس یک هیئت بلندپایه به تهران سفر کرد. در آستانه این سفر طرفین اظهار امیدواری کردند مبادلات تجاری خود را به سی میلیارد دلار در سال برسانند (farsnews, 2016/3/8). در جریان این سفر اردوغان با رهبر جمهوری اسلامی ملاقات و تفاهم‌نامه‌ها و موافقت‌نامه‌های متعددی به امضای مقامات دو کشور رسید (farsnews, 2016/3/14). پس از این سفر هم مقامات ترکیه از حمله به سیاست‌های ایران پرهیز نکردند. تا آنجا که امرالله ایشلر مشاور ویژه رئیس‌جمهور ترکیه با حمله به سیاست‌های ایران در سوریه و یمن مدعی شد: «ضرری که ایران به وحدت جهان اسلام زده بیش از ضرری است که اسرائیل طی ده‌ها سال به جهان اسلام وارد کرده است» (farsnews, 2016/4/3). اما این سخنان تند و آتشین نیز به دگرگونی عمده و بحرانی شدن روابط دو کشور نینجامید. در آینده هم احتمال می‌رود مسائل موجود یا جدیدی در روابط دو کشور موجبات بروز اختلافات تازه‌ای را فراهم کند، اما کماکان بحرانی شدن روابط دو کشور برای مدت طولانی و رسیدن به آستانه یک منازعه جدی بسیار بعید می‌نماید. در مجموع براساس تجربه حاصل از روابط دو کشور می‌توان گفت روابط دو کشور در مقاطعی تا مرز تیرگی شدید پیش رفته، اما هیچ‌گاه برای مدت طولانی بحرانی نمانده است. فراتر از این، پس از یک دوره تیرگی، همکاری

های دو کشور به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی گسترش یافته و در زمینه‌های سیاسی دست‌کم عادی شده است. بنابراین، پرسش اصلی مقاله این است که چرا روابط ایران و ترکیه با وجود بروز اختلافات اساسی میان آنها در دهه‌های اخیر، هیچ‌گاه برای مدت طولانی بحرانی نمانده و پس از چندی در زمینه‌های اقتصادی گسترش یافته و در زمینه‌های سیاسی دچار تنش‌زدایی و عادی‌سازی شده است.

در پاسخ به پرسش یادشده، دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده است که می‌توان آنها را به‌نحو زیر دسته‌بندی کرد: الف) دسته‌ای از نویسندگان معتقدند منافع ایران و ترکیه به علت رقابت‌های ژئوپلیتیک (Naebiyan, 2011; Güney & Mandac, 2013; Rafiea & Mazlumi, 2012; Haji-Omid, 2011; yousefi & Imani, 2011; Omidi & Rezaei, 2011; Bayat, 2011; Ramezan-zadeh & Moradi, 2011; Ghanbarlu, 2011; Harsij & Rahimi, 2012) در تعارض با همدیگر است و این امر باعث شده که صرفاً در مقاطع کوتاهی شاهد همکاری دو کشور باشیم؛ ب) گروه دوم بر این باورند که علی‌رغم برخی اختلافات موجود میان ایران و ترکیه، دو کشور با توجه به منافع اقتصادی (Shakibaei et al., 2011; Ghanbari & Sagheb, 2010) و ضرورت‌های ژئوپلیتیک (Harris, 1977; Afzali & Mottaghi, 2011) روابط پایداری با هم دارند؛ ج) گروه سوم، روابط ایران و ترکیه را توأم با آفت‌وخیز دائمی تحلیل می‌کنند و معتقدند عوامل متعددی وجود دارد که بعضی از آنها منبع همگرایی و برخی منبع تنش هستند (Gaem-panah, 2011; Derakhsheh & Divsalar, 2011; Jansiz & Tezcür & Grigorescu, 2014; Ahmadi Khoy, 2014; Aras & Polat, 2008). اما فرضیه مقاله حاضر این است که پیوستگی فرایندهای امنیت‌زا و امنیت‌زدایی که بر ایران و ترکیه تأثیر می‌گذارد، باعث شده است که این دو کشور از بحرانی شدن اختلافات میان خود جلوگیری نمایند و به همکاری روی آورند. روش آزمون این فرضیه، روش تبیینی است و رهیافت مورد استفاده، نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای است. از این‌رو نخست نظریه و مشخصه‌های آن توضیح داده می‌شود. سپس عواملی که ایران و ترکیه با وجود همه اختلافات، ناگزیر از همکاری و گسترش روابط هستند در چارچوب آن تبیین خواهند شد. در نهایت، مطالب مقاله جمع‌بندی و نتیجه‌گیری می‌شود.

### نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای

تلاش برای رسیدن به وضعیت امن، اولویت نخست سیاست‌های واحدهای سیاسی مختلف و راه‌های تأمین آن از جایگاه برجسته‌ای در سیاست‌گذاری‌های امنیتی دولت‌ها برخوردار است. امنیت، دارای سطوح مختلفی از جمله امنیت منطقه‌ای است. از مهم‌ترین پیامدهای فروپاشی نظام دوقطبی، اهمیت نقش مناطق در مباحث امنیتی است. اهمیتی که پیش از آن در ساختار متصلب دوران جنگ سرد، امکان‌پذیر نبود. پیدایش زمینه‌های مختلف درگیری، مناقشه و جنگ از یک‌سو و شکل‌گیری روندهای جدید همکاری‌جویانه در قالب سازمان‌های منطقه‌ای از سوی دیگر، وضعیت جدیدی را در فضای پس از جنگ سرد به نمایش گذاشت. درک و تبیین

جامع این تحول، نیازمند ارائه و کاربرست نظریه‌های جدیدی در زمینه منطقه‌گرایی و روندهای جدید آن در محیط جدید بین‌المللی بود. در این راستا صاحب‌نظران با نقد دیدگاه‌های کلاسیک منطقه‌گرایی افرادی مانند ارنست هاس<sup>۱</sup>، میشل برچر<sup>۲</sup>، بروس راست<sup>۳</sup> و کانتوری<sup>۴</sup> و اشپیگل<sup>۵</sup> کوشش نمودند نظریه و تعریف جدیدی از پوش جدید منطقه‌گرایی ارائه دهند تا قابلیت انطباق بیشتری با شرایط و تحولات پس از جنگ سرد داشته باشد (Dadandish & Kuzehtar Kaleji, 2010, p. 84).

از جمله مکتب‌هایی که در این مسیر، چشم‌انداز جدید و متفاوتی را در حوزه مطالعات امنیتی در جهان پس از جنگ سرد ترسیم نمود، مکتب کپنهاگ است. نظریه‌پردازان این مکتب با ارائه تعریف موسع و چندبعدی از مفهوم امنیت، در مقابل تعریف مضیق رویکردهای سنتی، تفکیک مطالعات امنیتی از مطالعات استراتژیک دوران جنگ سرد و نیز توجه به سطح تحلیل منطقه‌ای، نقش شایان توجهی در بازاندیشی مفهومی و نظری مطالعات امنیتی در دو دهه اخیر داشته‌اند. در روند تکامل این مکتب، آثار و نظرات افرادی مانند باری بوزان<sup>۶</sup>، اولی ویور<sup>۷</sup> و دو ویلد<sup>۸</sup> نقش بسزایی در پویایی مبانی نظری و فرانظری این مکتب ایفا نموده‌اند. از جمله مهم‌ترین دستاوردهای نظری مکتب کپنهاگ ارائه نظریه «امنیت منطقه‌ای» از سوی باری بوزان است (Fridman, 1996, p.319). بنیان نظریه جدید بر این فرض استوار است که پایان جنگ سرد، سبب آغاز ناامنی‌های بسیار گسترده‌ای شده است که ریشه در محدودیت‌های دیدگاه واقع‌گرایانه و جهان‌گرایانه از ماهیت و ابعاد امنیت دارد. بدین ترتیب که مکتب واقع‌گرا با تلقی دولت به‌عنوان یگانه موضوع امنیت و نیز مکتب جهان‌گرا با تلقی نظام بین‌الملل به‌عنوان یگانه عامل امنیت از کانون تکوین حرکت‌های اصلی منطقه غفلت کرده‌اند. بنابراین لازم است برای ارائه فهم مناسب از سرشت و سرنوشت امنیت به ساختار منطقه و ویژگی‌های کشورهای که در منطقه‌ای خاص قرار دارند و از شرایط امنیتی مشابهی برخوردارند، توجه کرد (Ebrahimi, 2007, p.451).

بوزان امنیت منطقه‌ای را مجموعه تمام تصورات و تعبیرات از امنیت ملی می‌داند که اعضای یک نظام منطقه‌ای در زمانی خاص آن را به کار می‌برند. بنابراین، امنیت یا ناامنی منطقه‌ای می‌تواند از مجموعه سطوح کشمکش در یک منطقه، اعتبارات نظامی و نهادها و اتحادیه‌های جمعی به دست آید (Group of International Crisis, 2004, p.17).

1. Ernest hass
2. Michel bercher
- 3 . Brouc roust
- 4 . Cantoory
5. schpigell
6. Barry bouzan
7. Ole Waever
8. Dou vield

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

نواقح گرایانه و جهان‌گرایانه است. بوزان بر این باور است که سطوح تحلیلی ملی و بین‌المللی نمی‌توانند برای تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به مناطق مناسب باشند. لذا وجود یک سطح تحلیل میانه برای این منظور ضروری است. وی منظور از ارائه سطح تحلیل میانه را تلاشی در جهت پُر نمودن شکاف میان سطح دولت و سیستم (نظام بین‌الملل) می‌داند. او معتقد است با استفاده از مجموعه‌های امنیتی می‌توان چارچوبی تحلیلی برای شناخت مستقل هر یک از مناطق به دست آورد که در مقایسه با سطوح ملی بهتر عمل می‌نماید (Krahman, 2008, p.45).

بوزان، بنیان نظری مجموعه امنیتی منطقه‌ای را این‌گونه تعریف می‌کند: مجموعه‌ای از واحدها که فرایندهای اصلی امنیت، عدم امنیت و یا هر دو آنها به گونه‌ای با یکدیگر مرتبط می‌شوند که مسائل امنیتی آنها به صورت منطقی نمی‌تواند جدا از یکدیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. این عنوان هم شامل ماهیت تشکیل‌دهنده مجموعه یعنی امنیت، و هم شامل ایدۀ وابستگی متقابل جدی میان اعضا است و این مجموعه امنیتی بر وابستگی متقابل در رقابت و نیز علائق مشترک اعضا دلالت دارد (Krahman, 2008, p.45). بنابراین، منطق گوه‌رین این نظریه ریشه در این واقعیت دارد که تمامی دولت‌های نظام در نوعی شبکه جهانی وابستگی متقابل امنیتی گرفتارند (Buzan, 2012, p.49).

نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای در مسیر تحولات علمی و واقعیات امنیتی دهه ۱۹۹۰ متحول گشت. بدین ترتیب که دو پایه سیاسی و نظامی این نظریه که در سال ۱۹۹۱ از سوی بوزان ارائه شده بود در سال ۱۹۹۸ در کتاب مشترک بوزان، ویور و دو ویلد با عنوان «امنیت؛ چارچوبی جدید برای تحلیل» به پنج مؤلفه نظامی، سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی تبدیل شد تا به نظر نویسندگان کتاب، از قابلیت بیشتری برای تبیین تحولات امنیتی جهان پس از جنگ سرد برخوردار گردد (Ramezani, 2001, p.69). علاوه بر این، آنها در اصلاحات خود از دو نوع مجموعه همگن و ناهمگن یاد می‌کنند که اولی منحصر به یک نوع بازیگر است و دومی بازیگران مختلف را دربرمی‌گیرد (Buzan et al., 2013, p.38).

نکته حائز اهمیت در درک بنیان‌های نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای نوع نگاه آن به مفهوم منطقه است. به طور کلی سه دیدگاه کلان پیرامون نقش مناطق و جایگاه آن وجود دارد. بر اساس نخستین دیدگاه، بازیگران بین‌المللی در هر سطح و موقعیتی که هستند دارای رفتارهای مشخصی بوده و بنابراین در سطح منطقه‌ای مدعی جایگاه ویژه و جداگانه‌ای نیستند. به این ترتیب نظریه‌های امنیتی بین‌المللی قابلیت تطبیق و تجزیه و تحلیل مسائل منطقه‌ای را نیز دارا هستند. دومین دیدگاه، مناطق را به صورت مجزا از یکدیگر فرض نموده و معتقد است که مفروضه‌ها و متغیرهای هر منطقه، خاص همان منطقه است و قابل تعمیم و تطبیق به سایر مناطق نیست. دیدگاه سوم، نگاهی میانه و حد وسط دارد. از نظر این دیدگاه، مناطق دارای سطح تحلیل جداگانه بوده و نسبت به سطوح بالاتر و پایین‌تر خود تأثیرپذیر و تأثیرگذار هستند. مناطق از نظر ویژگی‌ها با هم فرق دارند، اما ضرورتی برای طرح معیارهای ویژه هر منطقه وجود ندارد. تنها تفاوت در ساختار امنیتی آنها نهفته است. نظریه مجموعه

امنیت منطقه‌ای بر اساس دیدگاه سوم شکل گرفته و مدعی است می‌تواند گونه‌شناسی مشترکی به همراه متغیرهای علی برای تشریح مبانی خود ارائه دهد (Abdollah-khani, 2004, p.275).

همان‌گونه که اشاره شد وجود الگویی از روابط امنیتی میان اعضاء درواقع زیربنای اصلی شکل‌گیری یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای است که باعث تمایز این مجموعه از سایر گروه‌ها و احتمالاً مجموعه‌های اقتصادی، فرهنگی می‌شود. در مجموع، نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ هفت عامل را در تشکیل مجموعه امنیتی منطقه‌ای مؤثر می‌دانند که عبارت‌اند از:

الف) عامل مجاورت و نزدیکی جغرافیایی: بوزان می‌نویسد: «از لحاظ امنیتی، «منطقه» به معنای شبه‌سیستم مشخص و مشهوری از روابط امنیتی بین مجموعه‌ای از دولت‌هاست که از نظر جغرافیایی نزدیک یکدیگر باشند» (Buzan, 2000, p.204). در امنیت، مجاورت مهم است، زیرا بسیاری از تهدیدات فواصل کوتاه را به مراتب راحت‌تر از فواصل طولانی طی می‌کنند (Buzan & Weaver, 2009, p.56). بنابراین، دو نکته مهم و برجسته در این زمینه وجود دارد: نخست؛ وجود شبکه‌ای از روابط امنیتی میان واحدهای سیاسی و دیگری وجود نزدیکی جغرافیایی میان اعضای مجموعه. بر این اساس، تهدیدها به‌ویژه تهدیدهای سیاسی و نظامی وقتی به حوزه جغرافیایی نزدیک هستند، با شدت بیشتری احساس می‌شوند. به عبارت دیگر مجموعه امنیتی از دولت‌هایی که در مجاورت یکدیگر قرار دارند، پدید می‌آید و از جزء به کل یا از درون به بیرون شکل می‌گیرد (Buzan, 1999, p.188).

ب) الگوی دوستی و دشمنی میان دولت‌ها: الگوی دوستی و دشمنی را زمانی می‌توان به بهترین وجه فهمید که تحلیل از سطح منطقه‌ای آغاز شده و بازیگران جهانی را از یک طرف، و متغیرهای داخلی را از طرف دیگر دربرگیرد (Buzan & Weaver, 2009, p.58). منظور بوزان از دوستی، وجود طیف وسیعی از دوستی واقعی تا انتظار حمایت و حفاظت در روابط میان دولت‌ها است. به‌خصوص وجود سوءظن و ترس در روابط و تعاملات امنیتی میان اعضای مجموعه مهم خواهد بود. زیرا وجود ترس و هراس است که باعث می‌شود تا اقدامات هریک از اعضای مجموعه موقعیت سایرین را به خطر اندازد. بوزان در توضیح الگوی دوستی و دشمنی اظهار می‌دارد که این الگوها از موضوعات دیگری جدا از مسئله توزیع قدرت ناشی می‌شود که عبارت‌اند از: اختلافات مرزی، علاقه به جمعیت‌های مرتبط از لحاظ قومی، همسویی ایدئولوژیک و ارتباطات تاریخی (Daheshyar, 2009, p. 31).

ج) وجود حداقل دو بازیگر مؤثر: مجموعه امنیتی را بدون حداقل دو بازیگر قدرتمند و مؤثر منطقه‌ای نمی‌توان تصور کرد. بنابراین مجموعه امنیتی منطقه‌ای نمی‌تواند توسط تعدادی کشور ضعیف از یک منطقه شکل بگیرد. اما شکل‌گیری آن با حضور حداقل دو قدرت منطقه‌ای مؤثر و چندین کشور ضعیف امکان‌پذیر است. درواقع چون مجموعه‌های امنیتی تا حدودی با واقعیت‌های جغرافیایی منطبق هستند، به ناچار تعدادی از دولت‌های کوچک را هم شامل می‌شوند. این دولت‌ها به دلیل قدرت اندک خود در مقایسه با همسایگان، تأثیر کمی بر

ساختار مجموعه دارند. امنیت آنها تا حدود زیادی به الگوی دولت‌های بزرگ‌تر وابسته است و فقط هنگامی می‌توانند تهدیدی برای یک قدرت بزرگ باشند که از مزایای اتحاد با قدرت‌های بزرگ‌تر برخوردار شوند (Buzan, 1999, p. 195).

د) استقلال نسبی: شاخص استقلال نسبی به معنای آن است که مجموعه امنیتی در جایی وجود دارد که روابط امنیتی، گروهی از کشورها را از سایرین جدا کرده و به یکدیگر پیوند زده است و بر کنش و واکنش‌های درونی شدید امنیتی و محدود و ضعیف خارجی مبتنی باشد. اساساً یک مجموعه سطح پایین (برخلاف مجموعه سطح بالای مربوط به قدرت‌های بزرگ) متشکل از دولت‌های محلی است که قدرتشان چندان گسترده نیست و حتی در صورت گسترده‌بودن، از دامنه کشورهای هم‌جوار فراتر نمی‌رود. محدودیت قدرت، عامل مهمی در موجودیت روش‌های خودبسنده امنیتی محلی بین دولت‌های همسایه و در نهایت استقلال نسبی یک مجموعه امنیتی است (Buzan, 1999, p. 195).

ه) وابستگی متقابل امنیتی: منظور از وابستگی متقابل امنیتی آن است که تغییر و تحولات امنیتی در هریک از واحدهای مجموعه بر دیگر واحدها نیز تأثیر می‌گذارد. به عقیده بوزان مجموعه امنیتی در جایی وجود دارد که شبکه‌ای از روابط امنیتی شدید میان برخی از کشورها امنیت آنها را به هم پیوند زده و امنیت آنها را از سایرین جدا نموده باشد. به طوری که شدت وابستگی متقابل امنیتی در میان اعضای مجموعه در مقایسه با واحدهای خارج از مجموعه بیشتر باشد. منظور از وابستگی متقابل امنیتی نیز تأثیر و تأثر اعضای تشکیل‌دهنده مجموعه است، به طوری که هرگونه تغییر و تحول در موقعیت یک بازیگر در مجموعه، باعث ایجاد تغییر و تحول در موقعیت سایر اعضای مجموعه گردد (Sobhani, 2009, p.12).

و) همبستگی‌های نژادی و فرهنگی: بوزان مسئله همبستگی‌های نژادی و فرهنگی را از جمله عوامل تأثیرگذار بر تعیین شکل و ساختار مجموعه‌های امنیتی می‌داند. از نظر وی ویژگی‌های فرهنگی، نژادی و قومی باعث همگرایی بیشتر کشورها می‌شوند و می‌توانند نقش مهمی در ایجاد سازمان‌های محلی (مانند اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس) ایفا نمایند و نیز در تعیین شکل و ساختار یک مجموعه امنیتی مؤثر باشند. اما این همبستگی‌ها در زمینه تصورات امنیتی در مرتبه بعدی اهمیت قرار دارند (Eftekhari, 2002, p.3).

ز) عوامل اقتصادی: بوزان نقش عوامل اقتصادی را در شکل‌گیری مجموعه امنیتی مهم می‌داند. او با تفاوت قائل شدن میان معیار اقتصادی و پویای سیاسی و نظامی، بر این باور است که عامل اقتصاد در ثبات و انسجام داخلی کشورها نقش دارد و در نتیجه می‌تواند بر مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای مؤثر باشد. بررسی الگوهای تهدید و مسئله دوستی و دشمنی نشان می‌دهد که روابط اقتصادی به اندازه روابط نظامی و سیاسی تحت تأثیر قرابت جغرافیایی قرار ندارد. در واقع این عامل به همراه وابستگی‌های نژادی و فرهنگی جزو مؤلفه‌های فرعی مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای محسوب می‌شود (Morgan, 2002, p.47).



### ایران و ترکیه در یک مجموعه امنیتی

خاورمیانه منطقه واحد و همگونی نیست. هرچند متفکرین اصلی رویکرد مجموعه‌های امنیتی از جمله باری بوزان (۱۹۹۹) کل خاورمیانه را به‌عنوان یک مجموعه امنیتی در نظر می‌گیرند، اما در پژوهش حاضر این رویکرد در مورد روابط دوجانبه ایران و ترکیه به کار می‌رود. بدین منظور، در ادامه شاخص‌های رویکرد مجموعه امنیتی منطقه‌ای در روابط ایران و ترکیه بررسی و بر اساس آن نشان داده می‌شود که چرا ایران و ترکیه علی‌رغم تنش‌های موجود همواره سطحی از همکاری منطقه‌ای و دوجانبه را حفظ کرده‌اند.

### عامل مجاورت و نزدیکی جغرافیایی

مجاورت و نزدیکی جغرافیایی موجب بروز مشابهت‌هایی در سیاست جغرافیایی ترکیه و ایران شده است. این شباهت‌ها عبارت‌اند از:

- ایران مانند ترکیه بر روی خط گذرگاه اصلی ارتباط جنوبی آسیا-اروپا قرار داشته و دو کشور به اتفاق هم جایگزین گذرگاه جلگه‌ای در جنوب و روسیه در شمال هستند.
- هر دو کشور دارای مرز مشترک با قفقاز هستند.
- ارتباط چهار دریای داخلی و تنگه مهم اوراسیا، در دو مورد از طریق ترکیه (دریای سیاه و دریای مدیترانه) و در دو مورد دیگر از طریق ایران (خزر و خلیج فارس) تأمین می‌گردد.
- ترکیه با جنوب اروپا و ایران با جنوب آسیا به‌طور مستقیم ارتباط دارند. این امر به لحاظ ارتباطات جنوبی اوراسیا دارای اهمیت بالایی است.
- ترکیه همراه با ایران ارتباط خاورمیانه را در حوزه تلاقی قاره‌های اروپا، آسیا و آفریقا برقرار می‌کنند.
- هر دو کشور به علت شرایط مناسب جغرافیایی و دسترسی به آب‌های آزاد و گرم همواره فشار روسیه را بر خود احساس کرده‌اند. این مسئله ترجیح‌های سیاسی و راهبردی دو کشور را در دوره معاصر تحت تأثیر قرار داده و جغرافیای سیاسی آناتولی را از نظر راهبردی با جغرافیای ایران وابسته ساخته است (Sadeghi, 2008, p. 84).
- افزون بر این، هم‌جواری جغرافیایی باعث دغدغه‌های مشترک ژئوپلیتیکی برای دو کشور ایران و ترکیه شده است و آنها را وادار کرده در بسیاری از موارد سیاست‌های خود را با یکدیگر هماهنگ نمایند. از جمله مهم‌ترین این موارد می‌توان به مسئله کردها، انرژی و نقل و انتقال آن و مبارزه با تروریسم فرامرزی اشاره کرد (Afzali & Mottaghi, 2011, pp. 12-14). در مجموع می‌توان گفت مجاورت جغرافیایی سرنوشت امنیتی دو کشور را به هم گره می‌زند و آنها را در یک مجموعه امنیتی قرار می‌دهد.

### الگوهای دوستی و دشمنی

الگوی دوستی و دشمنی از موضوع‌هایی جدا از مسئله توزیع قدرت ناشی می‌شوند و عبارت‌اند از: وضعیت اختلافات مرزی، علاقه به جمعیت‌های مرتبط از لحاظ قومی، همسویی ایدئولوژیک و ارتباطات تاریخی.

- وضعیت اختلافات مرزی: ایران و ترکیه اختلافات مرزی خود را در اوایل دهه ۱۳۱۰ برطرف کردند و سال‌ها است که فارغ از هرگونه اختلاف مرزی روابط خود را تنظیم می‌کنند.
- علاقه‌مندی به جمعیت‌های مرتبط قومی: در این رابطه از دو مسئله برجسته نمی‌توان چشم پوشید: نخست، جمعیت گسترده ترک‌های ایرانی و اشتراک زبانی آنها با ترکیه است. این مسئله به‌ویژه با توجه به سیاست‌های پان‌ترکیستی و رویکرد موسوم به نوعثمانی‌گرایی اهمیت می‌یابد (Omidi & Rezaei, 2011, pp. 240-1). در کنار این، مسئله مهم‌تر کردها هستند. موضوع کردها در روابط ترکیه و ایران، در برخی موارد به عامل مخفی در مناسبات این دو کشور بدل شده، اما به‌طور کلی مخرج مشترکی در محاسبات امنیت ملی دو کشور محسوب می‌شود (Afzali & Mottaghi, 2011, p.12). اگر این مسئله قومی با تهدید امنیتی پ.ک.ک و پژاک ترکیب گردد می‌تواند عنصر مهمی در پیوندهای امنیتی ایران و ترکیه باشد.
- همسویی ایدئولوژیک: ایران و ترکیه سال‌های متمادی از قرن بیستم را در زمان دولت پهلوی و حکومت سکولار ترکیه در یک همسویی ایدئولوژیک گذراندند. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران مسیر دو کشور از هم جدا شد اما با قدرت گرفتن اسلام‌گرایان در ترکیه بین ایدئولوژی ایران و ترکیه شباهت‌هایی به‌ویژه از زمان قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه به وجود آمد. در هر دو کشور رهبران سیاسی درصدد بهره‌برداری از اسلام به‌عنوان یک ایدئولوژی در اداره امور کشور هستند. اردوغان با ایجاد تغییرات در برنامه‌های آموزشی جوانان تلاش دارد نسل جدیدی از جوانان را که با اسلام سیاسی تربیت شده‌اند در اختیار گیرد، تا زمانی که وی از قدرت دور می‌شود میراث وی را پاس دارند. در رویکرد جدید، اسلام تنها یک دین برای اردوغان نیست، بلکه جنبش سیاسی است که باید در خدمت اهداف وی قرار گیرد. در ایران نیز از مذهب شیعه به‌مثابه یک ایدئولوژی راهنمای عمل استفاده می‌شود. (Naghdi-Nezhad, 2009, p.18). همچون ایران، که روحانیون توانستند مذهب شیعه را مانند یک ایدئولوژی به قدرت برسانند، اردوغان با آگاهی از اینکه تفسیرهای محدود از اسلام در جامعه ترکیه پذیرفتنی نخواهد بود به دنبال این است که ایدئولوژی اسلام سیاسی را در قالب برنامه‌های آموزشی که بتواند خود را با جامعه ترکیه نیز هماهنگ کند- ارائه دهد (Kakaei, 2013, p.24).
- ارتباطات تاریخی ایران و ترکیه: برخلاف دوره صفویه و عثمانی که مذهب، ایران و ترکیه را در مقابل یکدیگر قرار می‌داد، در زمان پهلوی و حکومت آتاتورک و اخلافش با توجه به شباهت آنها زمینه برای همکاری‌های بیشتر دو کشور هموار شد. پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، نگرانی از شعارها و ارزش‌های ایدئولوژیک موجب بروز فترتی در روابط دو کشور شد. اما از آغاز دهه ۱۳۷۰ در روابط آنها بهبودی حاصل شد (Kharrazi, 2005, pp. 35). دیدار سران دو کشور در حاشیه اجلاس دی هشت در قزاقستان در سال ۱۳۷۹ از تنش میان طرفین کاست و پس از چند سال سفیر مبادله کردند. واقعه دیگری که به بهبود روابط کمک کرد میانجی‌گری ایران در موضوع رهبر حزب کارگران ترکیه (پ.ک.ک) عبدالله اوجالان بود (Vaezi, 2008, p.14). در جریان پرونده هسته‌ای ایران نیز، ترکیه به دنبال میانجی‌گری بود. با انتخاب حسن روحانی به‌عنوان

رئیس‌جمهور ایران دو کشور گام‌های بیشتری به سمت تنش‌زدایی برداشتند (Niakooyi & Behmanesh, 2012, p.98).

### وجود حداقل دو بازیگر مؤثر منطقه‌ای

وجود یک مجموعه امنیتی نیازمند دست کم دو بازیگر منطقه‌ای است. ترکیه و ایران دو بازیگر قدرتمند منطقه و سوریه و عراق، به‌عنوان قدرت‌های میان‌پایه یا کوچک محسوب می‌شوند. ترکیه در رده ششم قدرت‌های نظامی جهان است. این کشور با بهره‌گیری از قوانین تجاری و اهتمام دولت و بخش خصوصی در صدور تولیدات خود در بازارهای منطقه، بخش وسیعی از بازارهای هدف منطقه را در اختیار دارد. ترکیه در دهه گذشته سعی کرد رویکرد منطقه‌ای متوازن و سیاست خارجی فعالانه‌ای را دنبال کند تا به افزایش نقش و تأثیرگذاری منطقه‌ای این کشور منجر شود. ترکیه قصد داشت با سیاست به‌صفرساندن مشکل با همسایگان، باعث بهبود شرایط منطقه‌ای خود در خاورمیانه شود. هرچند که تحولات اخیر جهان عرب چالش‌هایی را برای سیاست منطقه‌ای این کشور ایجاد نموده است (Tajbakhsh, 2008, p.43).

یکی از مهم‌ترین تحولات سیاست منطقه‌ای ترکیه در چندسال گذشته، دگرگونی در رویکرد آن به رژیم اسرائیل بوده است. حزب عدالت و توسعه منافع خود را در روابط با جهان عرب و ایران، بر روابط استراتژیک با اسرائیل ترجیح داد و به سیاست فاصله‌گرفتن از اسرائیل روی آورد (Abbasi Ashlaghi, 2008, p.650). ترکیه بسیار علاقه‌مند است در حوزه خلیج فارس نفوذ داشته باشد و در این راستا تلاش‌های مهمی انجام داده است. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز به توسعه روابط با ترکیه و ایجاد یک آلترناتیو در مقابل ایران به شدت علاقه دارند (Naghdi-Nezhad, 2008, P.42). با توجه به ظرفیت داخلی و توان منطقه‌ای، ترکیه از بازیگران مهم در سیاست منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس محسوب می‌شود (Sadeghi, 2008, p.77). افزون بر این، از زمان به‌قدرت‌رسیدن حزب عدالت و توسعه، ترکیه از نظر قدرت نرم نیز رشد داشته، که معلول عواملی مانند رشد اقتصادی، توسعه نهادهای مدنی، مقابله با توسعه‌طلبی اسرائیل و سیاست نوع‌عثمانی‌گرایی بوده است (Ghanbarlu, 2011, pp. 29-30). هرچند این موقعیت در سال‌های اخیر تا حدودی با چالش مواجه شده است.

ایران نیز به‌دلیل برخورداری از پتانسیل‌هایی مانند موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک، منابع فراوان انرژی و نزدیکی جغرافیایی به دریاها و آزاد و تنگه استراتژیک هرمز، دارای جایگاه انحصاری در تأمین نفت و گاز کشورهای آسیایی در مقایسه با دیگر کشورهای رقیب یعنی ترکمنستان، قطر و روسیه است. موقعیت ترانزیتی ایران و ارتباط با آب‌های آزاد باعث شده است که دسترسی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز با آب‌های آزاد از طریق ایران میسر باشد (Saghafi Ameri, 1992, p.18). ایران همچنین دارای ارزش و قابلیت‌های منحصربه‌فردی در زمینه ژئواکونومی است. از جمله می‌توان به قرارگیری ایران در کنار خلیج فارس و دریای خزر اشاره کرد که اولویت دوم انرژی منطقه به‌شمار می‌رود. بنابراین پیوند ژئوپلیتیک و ژئواکونومی ایران در دریای خزر و آسیای

مرکزی با موقعیت آن در خلیج فارس که کنترل بیش از نیمی از این منطقه را در دست دارد عامل بزرگی است که منابع و نقش آفرینی ایران را در آسیا و اروپا گسترش می‌دهد (Vali-gholizadeh, 2011, p.7).

#### استقلال نسبی

مجموعه امنیتی در جایی وجود دارد که روابط امنیتی، گروهی از کشورها را از دیگر کشورها جدا و آنها را به یکدیگر پیوند بزند و بر کنش و واکنش‌های شدید امنیتی درونی و محدود و ضعیف خارجی استوار باشد (Buzan, 1999, p.195). در این چارچوب دو ملاحظه عمده امنیتی، پیوندهای ایران و ترکیه را مستحکم کرده است. نخستین آنها مسئله کردها و تمایل دو کشور برای کنترل آنها است. دو کشور درباره آینده کردها اشتراک نظر و بر شکل‌نگرفتن یک کشور کرد، حفظ تمامیت ارضی یکدیگر و کشورهای عراق و سوریه و تأمین حقوق کردها در چارچوب قوانین داخلی خود بدون مداخله دول دیگر تأکید دارند (Tahaei, 2001, p.67). ملاحظه دوم مربوط به فعالیت گروه‌های بنیادگرا در منطقه است. با قدرت‌یابی گروه‌های بنیادگرا در خاورمیانه و به‌ویژه در مناطق مجاور ایران و ترکیه دو کشور در مقابله با بنیادگرایی مذهبی در خاورمیانه اشتراک منافع دارند. این مسائل باعث می‌شود زمینه مساعدتری برای همکاری و همبستگی‌های امنیتی ایران و ترکیه به وجود آید (Bayat, 2013, p.23). سطح وابستگی‌ها و همکاری‌های امنیتی ایران و ترکیه به حدی است که اردوغان در تهران گفت: برای ثبات در خاورمیانه سه ستون نیاز است که ایران و ترکیه دو ستون آن هستند. در جریان سفر خردادماه ۱۳۹۳ روحانی به ترکیه، یک توافقنامه مهم و راهبردی بین دو کشور منعقد شد که می‌تواند چهره جدیدی برای منطقه ترسیم کند و به حل و فصل مسائل حساس منطقه‌ای کمک کند (Moshfegh, 2014, p.18).

#### وابستگی متقابل

در مجموعه‌های امنیتی، وابستگی متقابل و تأثیر و تأثر اعضای تشکیل‌دهنده به حدی است که دگرگونی در امنیت یک بازیگر، باعث ایجاد تغییر و تحول در امنیت سایر اعضای مجموعه می‌گردد. ایران و ترکیه وابستگی‌های متقابلی در عرصه‌های مختلف دارند. دو کشور همواره با تحرکات کردهای تجزیه‌طلب مقابله کرده‌اند و تداوم این سیاست بدون تعامل با یکدیگر امکان‌پذیر نیست. ترکیه بهترین و مقرون‌به‌صرفه‌ترین گزینه برای تأمین انرژی خود را، ایران می‌داند. ایران نیز به دلیل عضویت ترکیه در گروه G20، خواهان استفاده از ظرفیت این کشور برای گسترش مناسبات اقتصادی خود با جهان خارج است (Ayati, 2007, p.12). با فرارفتن روابط اقتصادی به سطح وابستگی متقابل، سیاست خارجی هر دو کشور نیز از آن تأثیر پذیرفته و در نتیجه از میزان تنش‌های موجود بین ایران و ترکیه کاسته می‌شود و این عاملی برای همکاری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بین ایران و ترکیه است (Aras, 2006, p.65).

### همبستگی‌های نژادی و فرهنگی

مشترکات فرهنگی میان دو کشور به‌منزله میراث و سرمایه معنوی برای گسترش همکاری‌های فرهنگی و همچنین تقویت سایر سطوح همکاری‌ها است. با تأسیس جمهوری ترکیه و به‌قدرت‌رسیدن رضاخان در ایران مناسبات فرهنگی ایران و ترکیه نیز وارد مرحله جدیدی شد. تلاش ترکیه برای الگوگیری از غرب و تمایل ایران به استفاده از تجربیات ترکیه در این روند، سطح رسمی تعاملات فرهنگی تهران و آنکارا را افزایش داد (Emami, 1998, pp.615-620). دگرگونی‌های سیاسی در هر دو کشور تغییراتی در زمینه‌های همکاری‌های فرهنگی آنها ایجاد کرده است، اما کماکان عناصر مشترک فرهنگی زیادی میان ایران و ترکیه وجود دارد. این عناصر شامل دین مشترک، تأثیرات زبانی متقابل، مناسبت‌های ملی و یا دینی مشترک نظیر اعیاد اسلامی و نوروز، فولکلور مشترک (فرهنگ عامیانه)، چهره‌های فرهنگی و معماری مشترک می‌شود (Azghandi, 2011, p.42).

### عوامل اقتصادی

عوامل اقتصادی در ثبات و انسجام داخلی کشورها نقش داشته و در نتیجه بر مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای نیز مؤثر هستند. یکی از زمینه‌های همکاری ایران و ترکیه در امور اقتصادی در بخش انرژی قرار دارد (Energy Economics, 2011, p.6). بر اساس قرارداد ۲۵ ساله، ایران سالانه ده میلیارد متر مکعب گاز به ترکیه صادر می‌کند. اما مهم‌تر از تأمین نیازهای انرژی ترکیه، نقشی است که ترک‌ها می‌توانند به‌عنوان دالان سوختی منابع نفت و به‌ویژه گاز ایران به‌سمت بازارهای اروپایی برعهده گیرند (Shokuh-Sadat, 2013, p.67). عمده تجارت خارجی ایران به‌جز نفت و گاز، توسط بخش خصوصی صورت می‌گیرد. در طرف ترک نیز نقش اصلی در روابط تجاری با اتحادیه اتاق‌های بازرگانی ترکیه، انجمن صنعت گران و بازرگانان مستقل و کنفدراسیون صنعت گران و بازرگانان ترکیه است که از بازیگران مهم در سیاست خارجی ترکیه محسوب می‌شوند (Ayati, 2007, p.10). اتاق‌های بازرگانی و شرکای تجاری دو طرف کوشش داشته‌اند روند متعادلی در مبادلات تجاری و نوعی ثبات در روند، نوع کالا و کالاهای مبادله‌ای ایجاد کنند (Sadeghi, 2008, p.73). این تلاش‌ها موجب شد که دو کشور در ده سال حجم تجارت خارجی خود را شش برابر افزایش دهند (Afzali & Hosseini, 2012, p.166). نکته جالب توجه در روابط تجاری ایران و ترکیه مزاد مثبت تجاری ایران است که بیشتر تحت تأثیر صادرات انرژی به ترکیه است (Jansiz & Ahmadi Khoy, 2014, p.107). افزون بر این، سالانه صدها هزار گردشگر ایرانی از ترکیه دیدار و درآمد قابل توجهی به بخش خدمات و گردشگری ترکیه سرازیر می‌کنند. نبود رژیم ویزای ورود به خاک دو کشور، کمک زیادی به گسترش این همکاری‌ها داشته است. همچنان که ترانزیت کالا از هر دو کشور، درآمدهای قابل توجهی به هر دو سو رسانده است. در مجموع وابستگی دوجانبه اقتصادی ایران و ترکیه در سال‌های اخیر افزایش یافته است. ترکیه به دلیل سیاست خارجی

چندوجهی خود تلاش داشته تا آنجایی که امکان دارد در مقابل تحریم‌های یک‌جانبه بر علیه ایران مقاومت کند، یا به‌طور گزینشی به اجرای برخی از جنبه‌های تحریم مبادرت ورزد.

### نتیجه‌گیری

روابط ایران و ترکیه در دهه‌های گذشته افت‌وخیزهایی داشته، اما در بدترین شرایط هم برای مدت طولانی بحرانی نمانده و دو کشور تلاش کرده‌اند اختلافات را نادیده گرفته، به همکاری و حتی گسترش همکاری‌ها روی آورند. هرچند تمام شاخص‌های نظریهٔ مجموعهٔ امنیتی در روابط ایران و ترکیه از یک میزان حضور و وجود برخوردار نیستند، این نظریه کفایت قابل‌توجهی برای تبیین روابط دو کشور دارد. ترکیه و ایران دو قدرت برتر در منطقهٔ آسیای غربی هستند. آنها از مرز مشترکی به طول ۴۷۰ کیلومتر و از سایر مؤلفه‌های هم‌جواری جغرافیایی نظیر واقع‌شدن بر روی گذرگاه جنوبی آسیا و اروپا، اشتراک در مرز با قفقاز، و قرارگرفتن در حدفاصل چهار دریای خلیج‌فارس و دریای عمان، دریای سیاه و دریای مدیترانه برخوردارند. اختلافات مرزی دو کشور سال‌ها پیش برطرف شده است. هر دو کشور به لحاظ قومی ملاحظات مشترکی دارند و دارای ارتباطات تاریخی ریشه‌دار و محکمی هستند. همبستگی‌های فرهنگی علاوه بر پیوندهای تاریخی آشکار در مقوله‌هایی نظیر دین، آداب و رسوم و نوروز، روابط فرهنگی گسترده‌ای را بین دو کشور برقرار کرده است. عوامل اقتصادی نیز نقش آشکار و بارزی در گسترش روابط ترکیه و ایران دارند. ترکیه به انرژی ایران وابسته است و ایران هم به مسیر ترانزیت ترکیه نیاز دارد. ایران به دنبال استفاده از ظرفیت اقتصادی ترکیه است و ترکیه نیز به دلیل روابط تجاری گسترده حتی در شرایط تحریم‌های سخت، حاضر به کاهش روابط اقتصادی خود با ایران نبوده است. وابستگی متقابل ایران و ترکیه به حدی است که با وجود بروز اختلافات جدی در مقطعی، دو کشور همواره به جای برجسته‌کردن اختلافات با به‌حاشیه‌راندن آنها به علاقه‌مندی خود به گسترش روابط اولویت داده‌اند. در مجموع می‌توان گفت حیات امنیتی و اقتصادی دو کشور آنچنان به یکدیگر وابسته است که در بدترین شرایط روابط خود را در کوتاه‌مدت حفظ و در میان‌مدت گسترش داده‌اند.

### References

- Abbasi Ashlaghi, M. (2008). Turkey and Israel: Changing relations of Middle Eastern foreigners. *Strategic Studies*, 29, 645-656. (In Persian)
- Abdollah-Khani, A. (2004). *Theories of Security: an introduction on framing the doctrine of national security*. Tehran: Research Institute of Strategic Studies. (In Persian)
- Afzali, R., & Hosseini, M. (2012). Studying the geopolitical changes in Turkey and its impact on Iran. *Geopolitic*, 11, 151-176. (In Persian)
- Afzali, R., & Mottaghi, A. (2011). Geopolitical analysis of behaviours of political actors in Iran and Turkey based on constructivism. *Pazhuheshnameye Matin*, 1-22. (In Persian)

- Aras, B., & Polat, R. K. (2008). 'From Conflict to Cooperation: Desecuritization of Turkey's Relations with Syria and Iran.' *Security Dialogue*. 39 (5), 495-515.
- Aras, D. (2006). Role of Persian Language on Iran-Turkey relationship and the future of Persian language and literature in Turkey. *Love Speech magazine*. 31, 79-86. (In Persian)
- Ayati, A. (2007). Special issue on anti-western attitudes and American new plan for the Middle East. *Ettela'at Newspaper*. 1-14. (In Persian)
- Azghandi, A. (2011). Studying I.R.Iran's foreign policy and Republic of Turkey; challenges and opportunities. *Political and International Approaches Quarterly*. 5, 36-45. (In Persian)
- Bayat, E. (2011). Pan-turkism in Central Asia. *Iras*.33. (In Persian)
- Bayat, K. (2013). The problem of Azerbaijan. *Goftegu*. 33. 15-25.
- Buzan, B. & et al., (2013). *New framework for analyzing security*. Trans. By A. Tayyeb. Tehran: Research Institute of Strategic Studies. (In Persian)
- Buzan, B. (1998). *People, states and fear*. Translated by Research Institute of Strategic Studies. Tehran: Research Institute of Strategic Studies. (In Persian)
- Buzan, B. (2000). An introduction on Kopenhagen School in security studies. *Strategic Studies Quarterly*. 5(1). 18-35. (In Persian)
- Buzan, B. (2012). The logic of regional security in the post-cold-war world. In B. Hetne et al. *New regionalism and the future of security and development*. Trans. By A. Tayyeb. Tehran: Publication of foreign affairs ministry. 47-85. (In Persian)
- Buzan, B., & Weaver, O. (2009). *Regions and powers*. Trans. By R. Ghahramanpour. Tehran: Research Institute of Strategic Studies. (In Persian)
- Dadandish, P., & Kuzehgar Kaleji, V. (2010) Critical survey of theory of regional security complex using security sphere of South Caucasus. *Rahbord quarterly*. 56, 73-107. (In Persian)
- Daheshyar, H. (2009). United States, Afghanistan, and Pakistan: contrasting sides of a crisis. *Ettela'ate Siasi-Eghtesadi*. 23, 261-2. (In Persian)
- Derakhshe, J., & Divsalar, M. (2011). Integrative and disintegrative factors in Iran-Turkey relations afer A.K. party in Turkey. *Quarterly of Political and International Researchs*. 7, 95-124. (In Persian)
- Ebrahimi, N. A., (2007). Thinking about bases and culture of Kopenhagen School. *Foreign Policy Quarterly*, 21(82), 143-162. (In Persian)
- Eftekhari, A. (2002). *Basic levels of thought in the national security studies*. Tehran: Research Institute of Strategic Studies. (In Persian)
- Emami, M. (1998). Studying Turkey-Syria relationships. *Foreign Policy Quarterly*. 612-638. (In Persian)

- Energy Economics (2011). Gas pact between Iran and Turkey. *News and Views*. 54 & 55. 6. (In Persian)
- Farsnews (2015). April 14. (In Persian) Available in: [www.farsnews.com/newstwx.php?nn=13940124000159](http://www.farsnews.com/newstwx.php?nn=13940124000159)
- Farsnews (2015). March 26. (In Persian) Available in: [www.farsnews.com/newstwx.php?nn=1340106000719](http://www.farsnews.com/newstwx.php?nn=1340106000719)
- Farsnews (2015). March 28. (In Persian) Available in: [www.farsnews.com/newstwx.php?nn=13940118000816](http://www.farsnews.com/newstwx.php?nn=13940118000816)
- Farsnews (2015). May 2. (In Persian) Available in: [www.farsnews.com/newstwx.php?nn=13940124000159](http://www.farsnews.com/newstwx.php?nn=13940124000159)
- Freidman, L. (1996). *Selected articles on politics and security*. Tehran: Nashre Binesh. (In Persian)
- Ghaem-pناه, S. (2011). Conflict and cooperation in Iran-Turkey relations after the Cold War. *Political Studies Quarterly*. 11, 51-82. (In Persian)
- Ghanbari, M., & Sagheb, H. (2010). The impact of free trade agreement on developing non-petroleum exports of Iran to Turkey. *Rahbord Quarterly*. 57, 277-295. (In Persian)
- Ghanbarlu, A. (2011). Models of soft power in the Middle East. *Soft Power Studies*. 1, 7-36. (In Persian)
- Group of International Crisis (2004). Radical Islam in Central Asia. *Magezine of Sobhe Sadegh*. Tehran: Sepahe Pasdaran. (In Persian)
- Güney, A., & Mandac, N. (2013). 'The meta-geography of the Middle East and North Africa in Turkey's new geopolitical imagination.' *Security Dialogue*. 44 (5-6); 431-448.
- Haji-yousefi, A., & Imani, H. (2011). Changes in Turkey-Israel relations in the recent decade and its results for Iran. *Foreign Relations*. 10, 75-104. (In Persian)
- Harris, George S. (1977). 'Ethnic Conflict and the Kurds.' *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Scienc*. 433(1); 112-124.
- Harsij, H., & Rahimi, R. (2012). Comparative analysis of the impact of 2011 developments on soft power of Iran, Turkey and Saudi Arabia. *Soft Power Studies*. 7, 99-115. (In Persian)
- Jansiz, A., & Ahmadi Khoy, A. (2014). Iran-Turkey relationships in Islamic Cooperation Organization. *Global Politics Quarterly*. 3, 95-124. (In Persian)
- Kakaei, S. (2013). Coming Turkey to first place. *Iranian Diplomacy*. 24. (In Persian)
- Krahman, A. (2008). *New threats nad actors in international security*. Tehran: Research Institute of Strategic Studies. (In Persian)
- Morgan, P. (2002). Regional security complexes and regional orders. In, D. E. Lake and P. M. Morgan, *regional orders: security-making in new world*. Tehran: Research Institute of Strategic Studies. pp. 39-70. (In Persian)



- Moshfegh, A. (2014). From competition to brotherhood. A glance on Rouhani trip to Syria. *Shargh Newspaper*. No. 2001. (In Persian)
- Moshirzadeh, H. (2006). *Development on International Relations theories*. Tehran: Samt. (In Persian)
- Naebian, J. (2011). A view on geopolitical changes in neighbor regions of Iran. *History of Iran after Islam*. 2, 167-196. (In Persian)
- Naghdi-Nejad, H. (2009). Iran-Turkey relations: scopes of cooperation and competition. *Center of Strategic Researchs*, 105-125. (In Persian)
- Naghdi-Nejad, H. (2008). Foreign policy of AK party of Turkey. *Magezine of Center of Strategic Researchs*. 49, 39-57. (In Persian)
- Niakooyi, A., & Behmanesh, H. (2012). Conflicting actors in Syrian crisis: aims and views. *Foreign Relations Quarterly*. 16, 97-136. (In Persian)
- Omidi, A., & Rezaei, F. (2011). New ottomanism in Turkish foreign policy: its results for Middle East. *Freign Relations*. 3, 231-267. (In Persian)
- Rafie, H., & Mazlumi, E. (2012). The obstecles of Iran-Turkey integration in Central Asia and Caucasus. *Central Eurasia Studies*. 10, pp.79-98. (In Persian)
- Ramezani, R. (2001). *An analytic framework on foreign policy of Islamic Republic of Iran*. Trans. By A. Tayyeb. Thehran: Nashre Ney. (In Persian)
- Ramezan-zadeh, A., & Moradi, M. (2011). The action of Iran and Turkey in Central Asia. *Iras*. 34. (In Persian)
- Saghafi Aameri, N. (1992) Teh geopolitic of Iran and the region in the post-cold-war period. *Central Asia and Caucasus studies*. 2, 1-20. (In Persian)
- Saleghi, Sh (2009) Goals and sterategy of Turkey in the north of Iraq and the views of the region's states toward it. *Rahbord Quarterly*. 49, 69-81. (In Persian)
- Shakibaei, A. et al., (2011). Analysing the unity between Iran and Turkey. *Magezine of Economy and Regional Development*. 1, 78-95. (In Persian)
- Sobhani, A. (2009). New strategy of America in Afghanistan. *Foreign Policy Quarterly*. 22(3). 729-50. (In Persian)
- Tahaei, J. (2001). Kamalism: the elements of crisis in the world view of thurkish foreign policy. *Rahbord Quarterly*. 21, 62-85. (In Persian)
- Tajbakhsh, A. (2008). Turning point of the region diplomacy. *Magazine of Gozaresh*. 206. 34-55. (In Persian)
- Tezcür, G. M., & Grigorescu, A. (2014). 'Activism in Turkish Foreign Policy: Balancing European and Regional Interests.' *International Studies Perspectives*. 15(3); 257-276.
- Vaezi, M. (2008). *Geopolitical analysis of crisis in Cental Asia*. Tehran: Institute of Political and International Studies, Ministry of Foreign Affairs. (In Persian)
- Vaezi, M. (2008). New experience in Turkey: contrasting discourses. *Rahbord Qurterly*. 47, 8-29. (In Persian)

Vali-Gholi-Zadeh, A. (2011). Some strategies for successful playing of Iran in competition to Turkey in Iraq. *Tahlile Hafta*. Tehran Institute of International Researchs and Studies (Abrare Moaser). 7-8. (In Persian)

